

پیش‌خواران

«جنگ اقتصادی»
در آیینه یک پژوهش

تحریم بی‌سابقه
در آیینه اسناد دست‌اول

■ محمدرضا کائینی

«جنگ اقتصادی، فهرست تحریم‌های امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران»، یکی از آثاری است که مرکز اسناد انقلاب اسلامی، روانه بازار نشر کرده است. این پژوهش از سوی مسعود براتی و

سیدحامد ترابی انجام شده است. تا زمانی ناشر در اشارتی کوتاه، موضوع کتاب را به ترتیب بی‌آمده معرفی کرده است: «مروور مختصری بر سابقه تحریم‌ها نشان می‌دهد که تا پیش از سال ۲۰۰۶ میلادی (۱۳۸۵ شمسی)، اقدامات خصمانه امریکا صرفاً با گسترده‌تر شدن فهرست تحریمی امریکا علیه ایران قانون در این دوره ایسانام داشت که بر اساس گزارش کنگره امریکا چندان موفقیت‌آمیز نبود. در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ میلادی (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ شمسی)، با وضع قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و آغاز تحریم‌های اروپا علیه ایران همراه بود. این اقدامات در امریکا مبتنی بر قانون وطن‌پرستی بود. در نهایت از سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد، امریکا تلاش کرد تا اقدامات صورت گرفته طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ میلادی را تکمیل و تقویت نماید که اوج آن را می‌توان در آتش توپخانه سنگین با سلاح‌های پوئی و مالی مشاهده نمود. امریکا با اتخاذ این راهبرد و استفاده از ابزارهای پولی به‌عنوان سلاح کوبنده جنگ اقتصادی، تلاش کرده است مسیرهای مالی و اعتباری به سمت ایران را به‌منظور کاهش درآمدهای نفتی، مسدود نموده و دواوسدند و صادرات و واردات ایران را سخت و محدود نماید...»

مسعود براتی از مؤلفان این مجموعه، در گفت‌و‌شوند با تا‌زمانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، باب‌مزیت‌های



➤ مسعود براتی از مؤلفان جنگ اقتصادی»

جنگ اقتصادی، فهرست تحریم‌های امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را اینگونه برشمرده است: «این کتاب فرایند تدوینش، حدود یک‌سال و نیم طول کشید و مرحله به‌روزرسانی‌اش هم چند ماهی زمان برد. محتوای این کتاب جز، تلاش‌های بدون مشابهت، درباره تحریم‌های ۲۰ سال‌اخیر امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران هست، جنبش و محتوای کتاب از اینگونه هست و برای تدوین کتاب، به اسناد دسته‌اول تحریمی هست ولی عمدتاً به اسناد رجوع نشده است، مثلاً به بررسی مطالعاتی درباره تحریم‌ها پرداخته‌اند. اگر اشتباه نکنم حدود سال ۹۳ بود که یک کتاب درباره تحریم‌ها مطالعه کردم. وقتی این کتاب را خواندم، متوجه شدم آنچه در این کتاب بیان شده، متناسب با آنچه ما درباره تحریم به مطالعه آن نیاز داریم، نیست. نویسنده عزیز آن کتاب، ادیبانی که درباره تحریم به کار رفته را بررسی کرده و آنها را تبدیل به یک کتاب کرده بود! آنچه به‌قول معروف در این زمینه خلأ به‌حساب می‌آمد، این بود که ادیبانی که در مورد تحریم وجود داشت، اختلاف زیادی با آنچه ما با آن مواجه بودیم نشان می‌داد و نمی‌توانست آن را پوشش بدهد. دلیل این خلأ هم ادبیات بین‌المللی در زمینه تحریم‌هاست. مطالبی که درباره تحریم در ادبیات بین‌الملل وجود دارد، عمدتاً مربوط به دهه هفتاد الی هشتاد میلادی و تحریم‌ها علیه کشورهای کمونیستی می‌شود. این مطالب نسبت به فضای تحریمی که امریکا از ۲۰۰۱ به بعد پیش برده، قدیمی محسوب می‌شود. خود امریکایی‌ها آن دوره قبلی را اصلاً تحریم حساب نمی‌کنند. سند بازنگری تحریم‌ها که وزارت خزانه‌داری امریکا اخیراً منتشر کرده، تصریح می‌کند که از ۲۰۰۱ به بعد، مهم تحریمی به‌عنوان یک موضوع راهبردی مطرح شده است. آن کتاب قطعاً برای تصمیم‌گیر داخل کشور، کارکردی ندارد. شاید یک مقدار به او، ذهنیت درباره تحریم‌ها بدهد. ما وقتی از تحریم صحبت می‌کنیم، منظورمان تحریم‌هایی است که امریکا از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۵ یعنی همان ۸۵-۸۴ خودمان، علیه ایران شروع کرده است...»

■ نیما احمدپور

در ۲۴ مرداد ۱۳۵۸، شهر پاهو کردستان مورد هجوم مسلحانه عوامل حزب دموکرات قرار گرفت و به محاصره آنان در آمد. مهاجمان، ارتباط تلفنی شهر را با خارج از منطقه قطع کرده و فرودگاه پاهو را به تصرف خود درآوردند؛ با این همه با ورود شهید دکتر چمران به این شهر و متعاقب آن دستور قاطع امام خمینی مبنی بر عزیمت نیروهای نظامی به آن خطه، دموکرات‌ها فرار را برقرار ترجیح دادند. چهل و چهارمین سالروز این رویداد، فرصتی مغتنم برای بازخوانی آن و نیز شناخت نیات شومی است که تا هم‌اینک، این نخله برای تجزیه ایران به سر دارد. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ کدامین گروه به پاهو حمله کرد؟

شاید در آغاز مقال، پرداختن به این موضوع بهنگام باشد که از چه روی حمله به پاهو را از چشم حزب دموکرات دیده‌ایم؟ گذشته از تمامی شواهد موجود در این باره، نباید از یاد برد که به رغم دست بالای دموکرات‌ها در هجوم به این خطه، برخی گروه‌های ضد انقلاب نیز در این حرکت مشارکت داشته‌اند که محمود نادری، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، اینگونه به معرفی آنان پرداخته است:

«به درستی معلوم نیست چه گروهی با چه اهدافی، به پاهو حمله کرد. دکتر چمران معاون نخست‌وزیر و اوشریف رئیس عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حزب دموکرات را مسبب اصلی جنگ می‌دانند. در عین حال هر دو از حضور عوامل سلطنت‌طلب نیز سخن می‌گویند. دکتر چمران یادآور می‌شود عده زیادی از مزدوران سپهبد عزیزالله پالیزیان (مدتی رئیس ضداطلاعات ارتش و مدتی استنادار کرمانشاه و سناتور بود. او پس از فرار از ایران، با کمک رژیم بعثی عراق، گروهی از کردها را سازماندهی و مسلح کرد تا به منظور بازگرداندن سلطنت ضد انقلاب بچنگند) و سردار جاف در میان مهاجمان بودند و بر حسب عادت خود می‌خواستند خانه‌های شهر را غارت کنند... اوشریف هم از دستگیری عوامل پالیزیان سخن گفت. غنی بلوریان عضو دفتر سیاسی حزب دموکرات، جنگ پاهو را ناشی از اختلاف بین عشیره جاف و مردم پاهو می‌داند! این اختلاف به وسیله خانواده جاف‌ها با طرفداری کردن

عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



گذری بر آغاز و انجام دست‌یازی حزب دموکرات به شهر پاهو کردستان

وقتی جدایی‌طلبان وابسته به قدرت رهبری و مردم پی‌بردند

از رژیم محمد رضا شاه به وجود آمده بود و با دخالت غیرمستقیم حکومت بعث عراق به جنگ تبدیل شد. بلوریان نقش حزب دموکرات در جنگ را در حد اعزاز چند نفر مسلح به پاهو فرو می‌کا‌هد! ایا این جنگ توسط حزب دموکرات آغاز گردید؟ یا از سوی مزدوران پالیزیان و سردار جاف و شیخ عثمان نقشبندی به عنوان عوامل رژیم پیشین؟ یا توسط کومه‌ها؟ به هر تقدیر پیامد جنگ، پیش از همه دامنگیر حزب دموکرات شد. به تعبیر بلوریان: قاسملو که بنا به گفته خودش خواست به کمک مردم پاهو برود، جنگ را به جنگ خودش تبدیل کرد و گناه جنگ پاهو را که با دخالت غیرمستقیم رژیم بعث عراق شروع شد، به گردن حزب دموکرات انداخت... حزب دموکرات شناخته‌شده‌ترین سازمان سیاسی کردستان بود و هر حادثه‌ای، اگر حزب در آن مشارکت نداشت، می‌توانست به نام این حزب رقم بخورد. کومه‌ها که مایل بود به عنوان یک سازمان سیاسی، در قد و قامت حزب دموکرات دارای اعتبار شود، از مطرح شدن حزب به عنوان عامل تمامی حوادث خ‌شونت‌بار کردستان، ناخرسند بود. این سازمان در تحلیلی نوشت: رژیم حاکم با سیاست ضد خلقی خود و سرکوب همه مخالفان خود در کردستان، سعی دارد با چار و چنجال، هر گونه مخالفت جویی را به حساب دموکرات‌ها بگذارد. در حالی که دیدیم در کنار دموکرات‌ها، سایر نیروهای انقلابی و مبارز کردستان هم به طور وسیعی به میدان مبارزه کشیده شده و به حمایت از خواست‌های برحق زحمتکش ر‌خاسته‌اند...»

■ بسترهای حمله حزب دموکرات به پاهو

بی‌تردید حمله دموکرات‌ها به پاهو، بدون سابقه ذهنی و عملی انجام نگرفت. این حزب در پی پیروزی انقلاب اسلامی، در مناطق کردنشین علم خودمختاری برافراشت و نهایتاً با حمله به برخی شهرهای این استان، به شهر پاهو رسید. آنها انعطاف یا مدارای مسئولان دولتی را به حساب قدرت خود نهاده و به چیزی جز جدایی کردستان از ایران قانع نمی‌شدند!

به واقع می‌توان گفت این گروه در شهر پاهو، قدرت رهبری انقلاب و بدنه اجتماعی آن را شناختند و از این روی به خارج از کشور گریختند. حمیدرضا اسماعیلی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره آورده است:

«در ۲۳ تیر ۱۳۵۸، صدها نفر از افراد مسلح گروه‌های



➤ مرداد ۱۳۵۸، پاهو، شهید دکتر مصطفی چمران بر گزار شهیدان

د

بی‌تردید حمله دموکرات‌ها به پاهو، بدون سابقه عملی انجام نگرفت. این حزب در پی پیروزی انقلاب اسلامی، در مناطق کردنشین علم خودمختاری برافراشت و نهایتاً با حمله به شهرهای این استان به پاهو رسید. آنها انعطاف یا مدارای مسئولان دولتی را به حساب قدرت خود نهاده و به چیزی جز جدایی کردستان از ایران قانع نمی‌شدند! به واقع می‌توان گفت این گروه در شهر پاهو، قدرت رهبری انقلاب و پیروانش را شناختند و از این روی، به خارج از کشور گریختند

حرکت نه تنها پاهو که کلیت کردستان را از تجزیه‌طلبان تهی ساخت، چنانکه اصغر حدیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران نوشته است:

«هجوم اعضای مسلح حزب دموکرات به مراکز نظامی و شهرهای دیگر کردنشین، در طول سال ۱۳۵۸ ادامه داشت. میروان و پاهو، آماج سنگین‌ترین تهاجم قرار گرفتند. در پاهو وحشیگری اعضای حزب به اوج خود رسید و تمامی نیروهای زخمی سپاه را در بیمارستان شهر سر بریدند! شهید دکتر مصطفی چمران در میان آتش سنگین، خود را به شهر رساند و با اندک نیروهای باقیمانده، به مقاومت پرداخت. با رسیدن اخبار بسیار تلخ پاهو به امام خمینی، ایشان به تمام نیروهای نظامی، دستور پیشروی به سوی پاهو را صادر کردند. با حرکت نیروها، محاصره پاهو شکست و مهاجمان متواری شدند. در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸، امام با توجه به رفتار تجزیه‌طلبانه و وحشیانه حزب دموکرات کردستان و نیز گشتار مردم بی‌دفاع منطقه از سوی اعضای آن در پیمای آن حزب را مخالف اسلام و حزب شیطان معرفی نمودند و از مردم منطقه خواستند تا در معرفی

و دستگیری سران و مفسدان حزب، با نیروهای نظامی همکاری نمایند. شورای انقلاب نیز حزب دموکرات کردستان را غیرقانونی اعلام کرد. با دستور امام خمینی حرکت نیروهای نظامی برای آزادسازی شهرها و مناطق اشغال‌شده از سوی حزب دموکرات کردستان سرعت گرفت و در ۱۲ شهر یور ۱۳۵۸، مقاومت سنگین حزب در نزدیکی شهر مهاباد شکسته و شهر آزاد شد. حاکمیت دولت از دستگیری چهار جاسوس اسرائیلی در میان اعضای دستگیرشده حزب خبر داد و مهندس بازگان گفت اسرائیل رهبری عملیات ضد انقلاب در مناطق شورشی ایران را به عهده گرفته است!... قاسملو و دیگر رهبران حزب، به خاک عراق فرار کردند. اندکی بعد برای اینکه بتوان مشکلات و درگیری‌های کردستان را با گفت‌وگو و مذاکره حل نمود، از سوی گروه‌های کرد از جمله حزب دموکرات در طول سال ۱۳۵۸ انجام گرفت، اما گروه‌های مذکور همچنان شعار تجزیه و خودمختاری س‌رمی‌دادند و خواستار تشکیل حکومت خودمختار کردستان از مناطق کردنشین در چهار استان ایلام، کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی با مجلس ملی، رسمیت زبان کردی و اختصاص سهم ویژه از بودجه کشور به حکومت کردستان بودند...»

■ نمی‌دانستیم اخبار پاهو به امام خمینی می‌رسد!

شاید در میان تمامی روایات از حمله دموکرات‌های جدایی‌طلب به پاهو، گزارش شهید دکتر مصطفی چمران در عداد خواندنی‌ترین‌ها باشد. آن دانشمند شهید که همراه با یارانش در محاصره مهاجمان قرار داشت و هرآن امکان شهادت آنان می‌رفت، به ناگاه دشمنان را در حال فرار و تارومار دیدا وی بعدها شرح ماقع را در دست‌نوشته‌هایی به تاریخ سپرد که به همراه برخی پیوست‌ها در اثر «کردستان» از منشورات بنیاد شهید چمران نشر یافت. بخشی از دست‌نوشته آن مجاهد والا به ترتیب بی‌آمده است:

«صبح ۵/۵/۵۸، بر بالای دیوار خانه پاسداران بوم و به شهر می‌نگریستم و گولوله‌از هر دو طرف، همچنان می‌بارید، به یکباره فراد الف‌اکبر پاسداران به هوا بلند شد. پرسیدم مگر چه شده

است؟ گفتند امام خمینی اعلامیه‌ای صادر کرده است، اعلامیه‌ای تاریخی که اساس بزرگ‌ترین تحولات انقلابی کشور ما به شمار می‌رود. امام خمینی فرماندهی قوا را به دست می‌گیرد و فرمان می‌دهد که ارتش باید در عرض ۲۴ ساعت خود را به پاهو برساند و ضد انقلاب را قلع و قمع کند. من اصلاً خبر نداشتم که اخبار هولناک پاهو به کسی برسد و امام خمینی و ملت، از جریان پاهو با خبر ند! فکر می‌کردم در آن شب وحشتناک، در محاصره ضد انقلاب به شهادت می‌رسیم و تا مدت‌ها کسی باخبر نمی‌شود، اما بیستم‌چی شجاع ژاندارمری، در حالی که اتاقش زیر رگبار گلوله‌ها فرو می‌ریخت، خود به زیر میز رفته و دراز کش و میکروف به دست، همه جریانات را به کرمانشاه مخابره می‌کرد... تا آن لحظه که فرمان تاریخی امام صادر شد، ما حالت تدافعی داشتیم، اما بعد از فرمان متغلب کننده امام، دیگر جای سکوت و تماشا نبود، وقت حرکت و قاطعیت و شجاعت بود. آنجا بود که یک

جوانان

روزنامه جوان | شماره ۶۸۲۹

گروه پنج نفری از پاسداران را به فرماندهی اصغر وصالی و چند نفر از اک‌راد، با یک آربی‌جی مأمور کردم به بالای بزرگ‌ترین کوه‌های مسلط بر پاهو بروند و این پایگاه را از دست دشمن خلاص کنند. به خدا سوگند! این جوانان آنچنان عاشق و شفته شهادت پیش می‌رفتند که برای خود من غیر قابل تصور بود. از روی لبه کوه، تمام قد، با قد برافراشته می‌دویدند! دشمن می‌توانست بايستد و همه آنها را بر خاک بریزد، زیرا سنگر و قلعه‌ای محکم بر بالای کوه داشت، ولی فرمان امام آنچنان تحولی به وجود آورده بود، آنچنان ایمانی در دل جوانان ما ایجاد کرده بود و آنچنان خوف و وحشتی در دل دشمن انداخته بود که دشمن می‌گریخت و دستان ما به سهولت به سوی آنان حمله می‌کردند. بالاخره این قله بلند را به سادگی و به سهولت به زیر سلطه خویش در آورده... راستی که شب پیش که شب شهادت، شب ناامیدی، شب شکست و سقوط بود، با فرمان امام آنچنان تغییر کرد که شب بعد به شب آرامش، شب امید و شب پیروزی مبدل شد. چه کسی می‌توانست چنین معجزه‌ای به وجود آورد که از یک شب هولناک و یک نقطه تاریک، چنین تحول و تشرکی خلق کند که مبدأ جنبش و حرکت و پیشروی به سوی انقلاب راستین اسلامی باشد؟...»

■ رد وقایع کردستان در اسناد لانه جاسوسی

بی‌تردید در حرکت‌های جدایی‌طلبانه سالیان ۵۸ و ۵۹، تمامی کانون‌های دشمنی با نظام نو تأسیس جمهوری اسلامی با یکدیگر همداستان بودند. در رأس این اضلاع همدست، سفارت سابق امریکا در تهران بود که چند ماه بعد از سوی دانشجویان پیرو خط امام تسخیر شد. بنا بر تحقیق حمید اقامی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، این به اصطلاح مرکز دیپلماسی عومسام، آدرس تمامی مناطق غائله‌خیز با مستعد برای تاراجی را به دولت متبوع و البته نیروهای ضدانقلاب داده بود:

«آنچه پس از این رویداد مهم به نظر می‌رسد، واکاوی نیروهای درگیر در این ن‌ما‌زه می‌باشد. حزب دموکرات کردستان از مهم‌ترین بازیگران جریان پاهو بود، اما جدایی از این حزب، گروه‌های چپ‌گرای دیگری نیز وجود داشتند. از سوی دیگر این احزاب مخفیانه و بعد از مدتی علنی، از کمک‌های تسلیحاتی و لجستیکی حکومت بعث عراق بهره‌مند شده و تحرکات خود را با اهداف حکومت عراق هماهنگ نمودند. یکی از دیگر از نیروهای درگیر که در واقع زمینه را نیز فراهم کرده بود، ا‌لایات متحده امریکا بود. برای اثبات آن می‌توان به گزارش محرمانه ۳۹ اسفند ۱۳۵۷- که در جریان اشغال لانه جاسوسی به‌دست آمد- اشاره کرد. در این سند آمده است: حاکمیت دولت در منطقه دولتی مانند کردستان، بسیار ضعیف است. س‌ننی‌های ایران کمتر شسفته این انقلاب اصولاً شیعه در ایران هستند، مخالفت قابل توجه در مناطق دیگر هم وجود داشته‌است... به این ترتیب می‌توان مثلاً از نیروهای معارض داخلی، نیروهای منطقه‌ای و نیروهای جهانی را در این حوادث به صورت کلی و به صورت خاص در رخداد پاهو ترسیم نمود. پاهو نقطه عطفی است که برای اولین بار، با قاطعیت، سرعت و قدرت دشمنان را بر جای خود نشاند. پاهو بزرگ‌ترین ضربه برگرده امپریالیسم و صهیونیسم بود که از روی پیروزی نظامی خود و سقوط انقلاب اسلامی ایران را به گور ببرند...»

■ قسم‌نامه دکتر چمران در سالروز شهادی پاهو

شهید دکتر مصطفی چمران فرمانده عملیات آزادسازی شهر پاهو، در آغازین سالگرد این رویداد و در نکوداشت شهادی آن در مجلسی

سخنرانی پرداخت، وی در پایان سخنرانی خویش و به عنوان تجدید عهد با کردستان و نهادهای آن قسم‌نامه‌ای ایراد کرد که خود تجسم عملی آن بود. آن دانشمند شهید که سال‌ها در لبنان و ایران پی جوی شهادت بود، در پایان خردادماه ۱۳۶۰ به آرزوی خویش نائل گشت:

«قسم به پاهو و مقاومت بی‌نظیرش، و اراده آهنینش، به شهیدان خونین گفتش. قسم به کردستان، و کوه‌های بلندش و دره‌های عمیقش، به درد و حرفانش، به مردم فداکار و باوقاش.

قسم به ایران و تاریخ پرافتخارش، قسم به اسلام و

رساله مقدس خدایی و جاودانیش. قسم به امام امت و فرمان متغلب‌کننده و معجزه آفرینش، قسم به اراده آهنینش، و ایمانش و عرفانش.

قسم به فریاد اله اکبر پاسداران، قسم به عرق جبین رزمندگان در زیر آفتاب سوزان.

قسم به سنگر‌ب‌زهای کوه‌های بلند که از زیر پای تکاوران مهاجم فرو می‌ریزد.

قسم به گوله سوزان، قسم به جسارت و فداکاری، قسم به فریاد عدا‌سای دلبران، قسم به هجوم صاعقه‌وار رزمندگان، قسم به ضجه کودکان معصوم، قسم به درد سوزان رزمندگان مجروح، قسم به خون شهیدان، قسم به اشک یتیمان، قسم به آه بیوه زنان.

قسم به خون، قسم به شرف، قسم به شهادت، قسم به انقلاب، قسم به رسالت، قسم بخدا.

که تا آخرین قطره خون خود، علیه دشمنان داخلی و خارجی می‌جنگیم و از انقلاب مقدس اسلامی ایران و استقلال این آب و خاک پاسداری می‌کنیم و تا استقرار حکومت حق و عدل در سرتاسر عالم و تا نابودی کامل طاغوت‌ها و شیطان‌ها، دست از مبارزه برنمی‌داریم و خدای بزرگ بر آنچه می‌گوییم شهید و شاهد است...»